

نشاط يك جامعه در گرو صنعت گردشگری

وحيد حسيني

گزارش

نگاه داشتن اسطوره‌ها گذاشته باشند و هم مخاطب را جذب تاريخ و پيشينه خود کنند و هم حس وطن دوستي را در مردمان خود القا نمايند.

از مهمترين سرزمين‌هايي كه بيشتر مردمان غرب و شرق از ديرباز علاقه زيادي به ديدن آن شهرها و تمدن‌هايشان داشتند، سرزمين‌هاي خاورميانه و مخصوصا ايران بود.

سرزمين ايران با توجه به موقعيت بسيار عالي جغرافيايي و تلاقي فرهنگ‌ها و تمدن‌هاي متفاوت در دل خود، اثار بسيار زياد و چشمگيري را بجا گذاشته كه هميشه مورد شگفتي جهانيان بوده است و تقريبا ميتوان گفت همه حكامران‌هاي ايراني اين موضوع را به خوبي ميدانستند و به حفظ و نگهداري اثار پيشينيان مي‌كوشيدند و با اين حركت نمادين نيز اين موضوع را به ديگر سرزمين‌ها نيز ياد دادند.

در اثنای تاريخ اين سرزمين نيز موارد متفاوتی از حفظ اين نوع مواريت می‌توان مشاهده کرد كه از آنجمله به شاهان ساساني اشاره کرد كه با حفظ بنای تخت جمشيد اين موضوع را به زيباترين شكل ممكن به دنيا نيز نشان داده بودند.

آنها با ساختن ابر شهرهاي زيبا در كنار يا روي شهرهاي كهن به نگهداري اثار پيشينيان خود مبادرت ورزيدند و اين مهم را سر مشق ديگر ملت‌ها كردند.

امروزه نيز با توجه به ساختار شكيل و پيچيده شهرها در دنيا يكي از مهمترين موارد توجه به همين امور، براي سرزندگي

شهرها ديدن کنند و در سفرنامه‌هاي خود با شگفتي از آنها نام ببرند و ياد کنند.

اين نوع از سفرنامه‌ها كه بن مايه گردشگري و تاريخ روايي داشت انسان‌ها را برآن داشت كه با خواندن اين دست مطالب خود بار عزيمت به آن شهرها ببندد و از اين آمد و شد نه تنها خود لذتي سرشار مي‌بردند، بلكه مردمان آن شهرها را نيز از اين سود بي بهره نمي‌گذاشتند.

اما فارغ از تمام مطالبی كه در بالا بيان گرديد می‌توان متوجه شد كه داشتن يك محيط زيبا و چشم نواز تاثير شگرفي در روحيه انسان‌ها داشته و نقش بالنده و شور و هيجان سر زنده‌اي را در رشد و شادمانی يك جامعه بوجود می‌آورد.

آب و درخت و به طور كلي استفاده از فضاي سبز در طراحي شهري بسيار مهم بوده و اصولا اين موارد سازگاري زيادي با سرشت آدم‌ها داشته اند اما اين اقلام چون در همه جای اين کره زمين در دسترس بود پس به ناچار برای جذابيت بخشيدن به شهرها بايد از موارد ديگري نيز بهره می‌جستند.

به همين منظور يكي از مهمترين مواردی كه جوامع مختلف از آن بهرمنند بردند، نگهداري و حفظ بنا و اثار گذشتگانشان در محيط شهري و استفاده بهينه از آنها برای جذب مخاطب و گردشگران بود.

اين يك موضوع بود كه تازگي نداشت و از ديرگاهان جوامع مختلف و ملت‌هاي متفاوت از اين فرصت استفاده می‌كردند تا با اين روش هم احترامی به اجداد و زنده

نشاط هر جامعه‌اي ارتباط مستقيم با محيط پيرامون آن جامعه دارد و اصولا آدم‌ها شكل و رنگ، خاک، آب، هوا و حتي سمت وزش بادی را كه می‌وزد به خود می‌گيرند و تبديل به محيط پيرامونشان می‌شوند. اين امر انقدر مهم و كليدي است كه جوامع مختلف در طول تاريخ با ساختن يك محيط همگون، زيبا و دلنشين باعث بالندگي انسان‌هايي می‌شدند كه قرار بود در آن جامعه متولد و رشد کنند و به همين منظور بود كه ما شاهد بوجود آمدن شهرهايي زيبا در دل تاريخ شدیم.

در مكاتب و تمدن‌هاي شرقي با الهام از طبيعت در ساختار شهري به اين مهم رسيدند و در تمدن‌هاي غربي با استفاده از فلسفه و هنر اين موضوع را پيگيري كردند و به همين خاطر ما در گذشته تفاوت‌هاي چشمگيري را در نوع ساختار شهري شرق با غرب می‌توانيم مشاهده كنيم.

در اين ميان می‌توان گفت كه ساختار ابر شهرهاي تاريخي واقع در خاورميانه نيز از اين امر مستثني نبوده و با ايده گرفتن از هنر و اساطير درون مايه ساختاری خود را شكل دادند و به بالندگي و ساختار ژنتيكي مردمانشان كمك كردند.

در نهايت اين ساختار موجب می‌گشت كه انسان‌هايي رنج و مشقت سفرهاي تجاری و كارواني را به خود بدهند تا از آن

